



تابستان ۱۳۹۰

فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

Number 5, Jul-Sep 2011
Just Peace Diplomacy Journal
International Peace Studies Centre (IPSC)
www.peace-ipsc.org
ISSN 2043-9016 (Print)
ISSN 2043-9024 (Online)

English Articles 1-78

Persian Articles 79-206



IPSC

International Peace Studies Centre

فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه

مرکز بین المللی مطالعات صلح

Articles

فهرست

The New Egypt and the change of the balance of power in the Middle East
Seyed G Safavi
[1-10]

- تروریسم: گونه شناسی جدید مبتنی بر آگاهی توزیع شده
دکتر سید یحیی صفوی، دکتر علیرضا فرشچی
{۷۹-۹۸}

Hizb al-Tahrir al-Islami (Islamic Party of Liberation) and Future of Islamism in Central Asia
Farhad Navaei
[11-30]

- جدال در حاشیه و رویارویی ژئوپلیتیکی با ایران
ابراهیم متقی {۹۹-۱۱۶}
- بحران سوریه و بازآفرینی انقلاب‌های رنگی در دوران
اویاما، دکتر زهره پوستینچی {۱۱۷-۱۲۴}

Poverty and Its Impact on the Spread of Islamic Fundamentalism in the Sub – Continent (Case Study: Bangladesh)
Mehdi Madani and Mehdi Toosi
[31-48]

- تحولات سوریه و سناریوهای احتمالی: تحلیل بر
اساس مدل سناریو نویسی ادراکی
محمد صادق جوکار {۱۲۵-۱۵۴}

Neo-Islamism in Chechnya and Wahhabism
Abazar Barari
[49-66]

- امریکا و ثبات خلیج فارس در روند رقابت‌های
ژئوپلیتیکی ایران - عربستان
دکتر طاهره ترابی {۱۵۵-۱۷۴}

Revisiting the Chechen Crisis through an Iranian Prism Historical and Strategic Considerations
Kafkazli Seyed Javad
[67-78]

- تحلیل و بررسی آینده لیبی پس از قذافی
گفتگو با دکتر احمد بخشی {۱۹۳-۲۰۲}
- سیاست دوگانه ی عربستان سعودی در قبال تحولات
خاورمیانه گفتگو با دکتر علی اکبر اسدی
{۲۰۳-۲۰۶}

Persian Articles [79-206]

مقالات انگلیسی {۱-۷۸}

سیاست دوگانه ی عربستان سعودی در قبال تحولات خاورمیانه

گفتگو با دکتر علی اکبر اسدی،

پژوهشگر ارشد خاورمیانه در مرکز تحقیقات استراتژیک

کامران کرمی (مرکز بین المللی مطالعات صلح)

با تغییر و تحولاتی که در خاورمیانه صورت گرفت و با خود موجی از تحول و دگرگونی سیاسی را موجب گردید. یکی از کشورهایی که در این میان، سیاست دوگانه و دو پهلوئی را در قبال تحولات منطقه اتخاذ کرد، عربستان سعودی بود که ابتدا در قبال تحولات مصر و تونس که به سقوط این دو کشور انجامید، سیاست سکوت در پیش گرفت و اخیراً در برابر تحولاتی که در سوریه در جریان است، موضع فعال و تهاجمی را اتخاذ نموده است. این سیاست دو پهلو را چگونه ارزیابی می کنید؟

همانطور که پیداست سیاست عربستان سعودی در قبال تحولات منطقه دوگانه است، که البته این سیاست، خاص عربستان نیست، چرا که بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای در قبال حوزه های مختلف رویکردهای متفاوتی دارند و منافع استراتژیک آن ها در هر کدام از حوزه ها متفاوت است. عربستان هم به تبع در هر حوزه رویکرد خاصی دارد. البته باید گفت که رویکرد اصلی این کشور در خصوص تحولات منطقه حفظ رژیم های سیاسی در منطقه و ممانعت از تغییر آنها می باشد. در

مورد سوریه باید گفت که یک استثناء در سیاست های منطقه ای عربستان به شمار می رود، عربستانی ها در سوریه تلاش می کنند رویکرد تغییر رژیم را به پیش ببرند که با توجه به ابعاد و اهمیت منطقه ای و استراتژیک سوریه و نوع روابط دولت بشار اسد و به خصوص جایگاه آن در محور مقاومت است. عربستان در جاهایی مثل مصر و تونس شدیداً مخالف تغییر رژیم بود، در بحرین بازیگر اصلی بحران بود و رویکرد تهاجمی و مداخله نظامی آن مانع از اصلاحات اساسی و پیروزی مخالفین در این کشور شد. اما در خصوص سوریه عربستان در رویکردی همگام با غرب در جهت تضعیف و تغییر دولت اسد تلاش می کند.

همانطور که فرمودید موضع سرسختانه ی عربستان با همراهی و هماهنگی آمریکا در جهت تغییر و تضعیف سوریه به شمار می رود. بر این اساس می توان چنین استدلال نمود که این سیاست در جهت تضعیف محور مقاومت متمرکز شود؟

بله، موضع عربستان در هماهنگی و پیوند با رویکرد آمریکا در منطقه است و در مورد سوریه هدف اساسی تضعیف محور مقاومت است. در این میان عربستان سعودی حتی اشتیاق و تمایل بیشتری از ایالات متحده برای تضعیف و تغییر رژیم در سوریه دارد، چرا که آمریکا یکسری نگرانی ها در خصوص بی ثباتی در سوریه دارد و از جمله معتقد است تغییر رژیم در سوریه می تواند به جنگ داخلی در این کشور منجر شود و در نتیجه ی جنگ داخلی، این بی ثباتی در سطح منطقه ای گسترش پیدا کند و منطقه را با ناامنی ها و تهدیدات جدیدی روبرو کند و در این میان امنیت اسرائیل نیز می تواند به خطر بیافتد. نکته ی بعدی اینست که رژیم بشار اسد به رغم اینکه هسته ی اصلی محور مقاومت به شمار می رود، اما اصولی را پایبند بوده و از نظر مرزی ناامنی جدی ای را برای اسرائیل ایجاد نکرده است. این دو مورد باعث شده تا آمریکا از بابت تغییر رژیم در سوریه، بی ثباتی و روی کار آمدن رژیم جدید نگرانی هایی را داشته باشد. هرچند که آمریکا خواستار حذف حکومت اسد است اما نگران پیامدها و هزینه های احتمالی آن نیز می باشد. اما عربستان چنین ملاحظاتی را ندارد، چرا که با توجه به گروه های سلفی که اصلی ترین و سازماندهی ترین گروهها در سوریه به شمار می روند، می تواند در صورت هر گونه تغییری نفوذش را در سوریه بیشتر کند و مهم تر اینکه به تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه ای ایران مبادرت کند.

با توجه به این وضعیت واکنش احتمالی محور مقاومت چه خواهد بود؟

در هر حال، سوریه نقش محوری و مهمی در محور مقاومت دارد، از اینرو این فرصت مهمی برای سعودی ها به شمار می رود تا رژیم اسد را به عنوان بازیگر کانونی محور مقاومت تضعیف و در صورت امکان تغییر دهند. اعضای محور مقاومت طبیعتاً واکنش نشان خواهند داد و برای کنترل و مدیریت بحران در سوریه بیشترین تلاش را خواهند کرد. در خود سوریه هم یکسری اصلاحات و هم سناریوهای امنیتی مدنظر قرار دارد که هدف آن ایجاد آرامش و کنترل ناامنیهاست. به خصوص مقابله با گروههایی که عربستان در تقویتشان نقش دارد از راهبردهای مهم دولت سوریه خواهد بود. به خوبی می دانیم که تضعیف محور مقاومت، می تواند باعث کاهش نفوذ منطقه ای ایران شود و دستاورد مهمی در توازن قدرت منطقه ای به نفع سعودی ها باشد.

در سویی دیگر سقوط متحدینی همچون مصر که دارای نقش مهمی در جهان عرب و عنصر عربی بود، چه تأثیری بر محیط پیرامونی عربستان سعودی بر جای خواهد گذاشت؟

مصر در طول یک دهه ی گذشته به عنوان یکی از بازیگران مهم موسوم به محور اعتدال عربی یا محافظه کاری عربی در مقابل محور مقاومت به شمار می رفت، اما سقوط رژیم مبارک باعث شد مصر از این محور خارج و حتی کلیت این محور با تردید مواجه و دچار چالش و فروپاشی شود. بر این اساس از یکسو عربستان در صدد است تا یک ائتلاف منطقه ای جدید را ایجاد کند که در واقع این ائتلاف متشکل از کشورهای پادشاهی، شورای همکاری و دو کشور مراکش و اردن که به تازگی ملحق شدند و خواستار حفظ وضع موجودند می باشد. از سوی دیگر مصر در شرایط جدید خودش تأثیر بسزایی در جهان عرب و تحولات آن دارد، چون در دهه های گذشته پیشگام تحولات جهان عرب بود و تحولات اخیر نشان داد که تغییر در مصر می تواند باعث تحولات جدی در منطقه شود و کشورهای منطقه را به سوی الگوهای مشروعیت بخش و تغییر نظامهای سیاسی سوق دهد. بحث مهم دیگر این است که مصر در حال تبدیل شدن به قدرت منطقه ای نوینی است که می تواند خود را به عنوان رهبر جهان عرب نشان دهد، بخصوص که دارای پتانسیل هایی است که عربستان آنها را دارا نیست، از جمله مبحث نظام سیاسی دموکراتیک، سیاست خارجی مستقل و بحث اعتبار و مشروعیتی که مصر در جهان عرب برای خود کسب می کند. بر این اساس عربستان به دلیل این مباحث از سقوط رژیم مبارک آسیب های جدی ای خواهد دید.

پرسش آخر به شرایط داخلی عربستان سعودی در شرایط جدید منطقه ای بر می گردد، همانطور که در جریان مباحث و تحولات داخلی عربستان هستیم، مطالبات شیعیان و زنان و وضعیت بیماری پادشاه و ولیعهد به صورت باری بر دوش نظام سیاسی این کشور سنگینی می کند و می تواند چالش هایی را متوجه این کشور کند، بر این اساس سناریوهای پیش روی عربستان در تحولات جدید به چه نحوی رقم خواهد خورد؟

در چند ماه گذشته شاهد مطالبات و ناآرامی هایی در بخش های شیعه نشین و همچنین یکسری مطالبات و تحرکاتی از سوی زنان عربستان سعودی بودیم که البته این تحرکات کنترل گردید و تداوم پیدا نکرد. بحث مهمی که وجود دارد اینست که ساختار سیاسی عربستان از نظر داخلی دچار آسیب ها و ضعف هایی است که از جمله ی آنها سنتی بودن شیوه ی انتقال قدرت است که بر اساس قانون و قاعده و فرمول خاصی نیست، بلکه انتقال قدرت طبق یک وصیت به فرزند ذکور ارشد عبدالعزیز می باشد. این ضعف ساختاری در هر زمانی می تواند یکسری چالش های کوتاه مدت را برای عربستان ایجاد کند. اما مشکل اصلی سعودی ها چالش مشروعیت است، به این معنی که برای خود، مشروعیت را بر پایه ی مولفه هایی چون حاکمیت خاندان آل سعود، آیین وهابیت و همچنین استفاده از منابع و امکانات مالی ایجاد می کنند. این سبک مشروعیت در بلند مدت نمی تواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و به تبع عربستان در میان مدت و بلندمدت با چالش ها و مطالبات سیاسی جدید و خیلی پرنرنگتر از آنچه که امروزه شاهد آن هستیم روبرو خواهد شد، بخصوص که اوجگیری تحولات خاورمیانه و وقوع حوادثی که در جریان است، می تواند به تحولات داخلی این کشور شتاب دهد. بر این اساس بحران جانشینی در کوتاه مدت و بحث مشروعیت در بلند مدت، نظام سیاسی این کشور را با چالش مواجه خواهد کرد.